



تحلیل بازدارنده‌های مشارکت بهره‌برداران روستایی در حفاظت از منابع طبیعی شهرستان ایلام

حامد چهارسوقی امین^۱، نبی صید یوسفی^۲

چکیده

هدف این پژوهش پیمایشی، تحلیل بازدارنده‌های مشارکت بهره‌برداران روستایی در حفاظت از منابع طبیعی شهرستان ایلام بود. جامعه آماری این تحقیق را بهره‌برداران روستایی منابع طبیعی تجدید شونده شهرستان ایلام ($N=1782$) تشکیل دادند که با استفاده از فرمول کوکران ۳۱۶ نفر از آنان به عنوان نمونه و با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی، گزینش شدند. روایی پرسشنامه توسط گروهی از متخصصان ترویج و آموزش کشاورزی و اعضای هیئت علمی دانشگاه بررسی و تأمین شد و برای تعیین میزان پایایی بخش‌های مختلف، از ضریب آلفای کرونباخ ($\alpha=0.75$) استفاده شد. به منظور دستیابی به هدف‌های تحقیق از آمار توصیفی و استنباطی بهره‌گرفته شد. یافته‌های پژوهش نشان دادند که بین متغیرهای سن، سابقه اشتغال، مقدار زمین تحت مالکیت، مساحت اراضی دیم و آبی، درآمد بهره‌برداران از دامداری، بازدارنده‌های اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی-معیشتی، سازمانی و کاستی‌های آموزشی-ترویجی با مشارکت بهره‌برداران در حفاظت از منابع طبیعی رابطه معنی‌دار وجود دارد. همچنین، بر پایه مدل رگرسیون لجستیک، بازدارنده‌های فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی-معیشتی، کاستی‌های آموزشی-ترویجی و سازمانی و از بین ویژگی‌های فردی، سن بر متغیر مشارکت بهره‌برداران روستایی تأثیرگذار می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: مشارکت مردمی، بهره‌برداران روستایی، منابع طبیعی، عوامل بازدارنده

^۱ استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام
^۲ دانش‌آموخته گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام



مقدمه

تخریب منابع طبیعی در کشورهای در حال توسعه یک مشکل مهم در رسیدن به توسعه پایدار به شمار می‌رود که نرخ جنگل زدایی طبق آمارهای جهانی به مرز هشدار یعنی ۱۳ میلیون هکتار در سال رسیده است (FAO, ۲۰۰۷). بررسی های جهانی نشان می‌دهد که ۱/۲ میلیارد هکتار از سرزمین‌ها در نیم قرن گذشته به شدت تخریب شده‌اند. به طوری که قطع درختان جنگلی در تخریب ۳۰ درصد، چرای بی‌رویه ۳۵ درصد، فعالیت‌های نادرست کشاورزی ۳۴ درصد و فعالیت‌های صنعتی در ۱ درصد از آن مؤثر بوده‌اند. کشور ایران نیز که در زمره ی نواحی خشک دنیا طبقه بندی می‌شود، در حال حاضر، ۳۵ درصد از خاک آن را مناطق کویری (فراخشک) و ۳۰ درصد را مناطق بیابانی (خشک) تشکیل می‌دهد. بنابراین، در حدود ۶۵ درصد از مساحت کشور در زمره ی مناطق کویری و بیابانی و در قلمرو سرزمین های خشک قرار می‌گیرد. روند رو به افزایش فرسایش سالانه خاک کشور از مرز ۱/۵ میلیارد تن یعنی معادل نابودی ۴۰۰ هزار هکتار زمین های حاصلخیز در سال تجاوز کرده و پیش بینی می‌شود که در ۲۰ سال آینده مقدار این فرسایش از مرز ۴/۵ میلیارد تن در سال تجاوز کند (ابراهیم پور، ۱۳۷۸).

مساحت جنگل های زاگرس به طول ۱۶۰۰ کیلومتر از رشته کوه های زاگرس از شمال غربی کشور تا جنوب شرقی در استان‌های آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، ایلام، لرستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد و فارس را شامل می‌شود، معادل ۵۵۶۱۵۵۰ هکتار برآورد می‌شود. حجم خانوارهای استفاده کننده از هیزم در جنگل برای تأمین سوخت در روستاها و نقاط عشایری محدوده های جنگلی زاگرس، حداقل ۴۰۰ هزار خانوار برآورد و متوسط مصرف هر خانوار در طول سال، ۲۵ مترمکعب برآورد گردیده است (همان).

استان ایلام ۱۱ درصد جنگل های حوزه زاگرس، ۴ درصد جنگل های ایران، ۴/۹۷ درصد کل مراتع رویش زاگرس و ۸ درصد کل سطح مراتع ایران را به خود اختصاص داده است. از طرف دیگر، ۸۷/۳۸ درصد کل سطح این استان منابع طبیعی است. سطح جنگل های استان ایلام برابر ۶۴۱۶۶۷ هکتار با گونه غالب درخت بلوط و سطح مراتع استان برابر با ۱۱۴۶۲۸۰ هکتار می‌باشد (گزارش اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری ایلام، ۱۳۹۱).

یکی از راه کارهای حل مشکلات منابع طبیعی و زیست محیطی در کشور ما، مشارکت بهره‌برداران از منابع طبیعی در فعالیت های حفظ، اصلاح، احیاء، توسعه و بهره برداری از آن است و از راه های جلب مشارکت بهره‌برداران از منابع طبیعی می‌توان به شکل ها و سازمان های غیردولتی محلی اشاره کرد که این شکل ها باید به دنبال توانمندسازی کلیه افرادی باشند که ارتباط نزدیکی با منابع طبیعی دارند (قناعت، ۱۳۸۵).

مشارکت و همکاری مردم ایران زمین در حفاظت از منابع طبیعی قدمت طولانی دارد. طی قرن های متمادی عرصه های وسیع منابع طبیعی توسط مالکان و بهره‌برداران عرفی حفاظت شده است، ولی به علت تغییر نظام‌های سنتی، تأکید بیش از حد بر مدیریت دولتی، عدم جایگزینی نظام مطلوب مشارکتی، افزایش جمعیت، فقر و نبود آگاهی های لازم، به تدریج عرصه های منابع طبیعی به کاربری های زراعی و باغی تغییر یافته و آثار سوء آن به صورت سیل، خشکسالی، تغییرات آب و هوایی، کاهش تنوع زیستی، فرسایش خاک و آسیب های دیگر خود را نمایان ساخته است (شاعری و سعدی، ۱۳۸۲).

در حال حاضر، تخریب منابع طبیعی تجدید شونده به صورت مشکلی جهانی در آمده و گروه های بسیاری در پی بررسی ابعاد و پیامدهای آن هستند این تخریب در ایران و به ویژه استان ایلام نیز روندی رو به رشد دارد با توجه به روند کنونی تخریب و مشکلاتی که در این زمینه متوجه نسل حاضر و آیندگان شده است، سرعت تخریب با اقداماتی که در زمینه حفظ، احیاء و توسعه منابع طبیعی انجام می‌شود، قابل مقایسه نیست. در جهت غلبه بر این مشکلات نقش دولت به عنوان برنامه ریز و حامی طرح‌های منابع طبیعی روشن و مهم می‌باشد اما مشخص است که اجرای این گونه طرح ها به مشارکت مردم نیاز دارد.

در شهرستان ایلام به دلیل هنجارهای فرهنگی و قومی زمینه های مشارکت مردم بیشتر معطوف به مشارکت در زراعت، صنایع دستی، پرورش دام، مراسم عروسی و مرگ و میر می‌باشد و اقبال چندانی نسبت به مشارکت مردم در عرصه های منابع طبیعی به چشم نمی‌خورد و نتیجه آن را می‌توان در تخریب این منابع مشاهده نمود. پیش از هرگونه برنامه ریزی و اقدام برای جلوگیری از تخریب روز افزون عرصه های منابع طبیعی، شناخت دقیق و همه جانبه عوامل تخریب و سهم هر یک در تخریب جنگل ها ضروری است. به طور کلی، مهمترین عوامل



موثر در کاهش کمی و کیفی جنگل ها و مراتع در غرب کشور، رشد جمعیت، فقر عمومی، تأمین مصالح ساختمانی در مناطق روستایی، تأمین سوخت، توسعه اراضی کشاورزی، چرای دام، فراوانی تعداد دام، سرشاخه زنی درختان، سقرگیری، ذغال گیری، جنگ، جاده سازی، معادن، آتش سوزی های عمدی و غیرعمدی، کشاورزی غیراصولی، گسترش فعالیت های صنعتی هستند که می توان به این موارد، حوادث طبیعی همچون سیل، خشکسالی، زلزله، صاعقه، باران های اسیدی و ریزگردها را نیز اضافه کرد. عوامل مدیریتی و حقوقی همچون تغییرات پیاپی در سازمان ها و تشکیلات اداره کننده جنگل، تعویض پیاپی مدیران و عدم آشنایی برخی از آنان در زمینه علم جنگلانی، فقدان برنامه ریزی جامع و سیاست درازمدت متناسب با شرایط محلی، فقدان هماهنگی بین سازمان ها و تشکیلات مسئول در امور مربوط به جنگل، فقدان قوانین جامع نگر، مبهم و نامشخص بودن تعریف جنگل در قوانین و نامشخص بودن مرز آن نیز می تواند در امر تخریب این مواهب خدادادی موثر باشد (کریمی، ۱۳۸۲).

در تحقیقی که توسط محمدی (۱۳۸۳) با عنوان عوامل مؤثر بر مشارکت روستائیان در طرح های آبخیزداری به انجام رسیده است، عوامل انگیزش، آگاهی اجتماعی، وابستگی به دولت، اعتماد به مجریان طرح، پایگاه اجتماعی، اختلافات قومی، انسجام جمعی به عنوان متغیرهای مستقل و مشارکت روستائیان به عنوان متغیر وابسته بررسی شدند و رابطه مثبت و معنی دار بین متغیرهای انگیزش، اعتماد به مجریان طرح، وابستگی به دولت و انسجام جمعی با متغیر مشارکت گزارش شد.

شاعری (۱۳۷۸) در تحقیقی با عنوان عوامل مؤثر در جلب مشارکت دامداران در ساماندهی دام از جنگل های شمال به این نتیجه رسید که عمل به تعهدات از سوی دولت، سخنرانی کارشناسان، حمایت از دامداران پس از اسکان، کمک به دولت در اجرای طرح، مشورت با دامداران قبل از انجام طرح، تأمین نهاده های مورد نیاز، توجه به آداب و رسوم دامداران، جلوگیری از تغییر سریع دستورالعمل ها، تشویق دامداران، انجام طرح مطابق با شرایط محلی و توجه به مشکلات موجود در محل، تأثیری زیادی بر مشارکت داشته اند.

حسینی و ابویه (۱۳۷۸) در تحقیقی با عنوان روش های جلب مشارکت مردمی در منابع طبیعی، جهت حفظ و احیای منابع طبیعی در هر کشور، مشارکت مردمی را در حفظ منابع طبیعی ضروری دانسته و دو بازدارنده عمده و اصلی در مشارکت مردم در حفاظت از این منابع را شرایط برونی و درونی روستا برشمرده اند و در این راستا، واژگون سازی مدیریت توسعه روستایی، دادن قدرت به افراد زیردست، دادن آزادی عمل بیشتر به کارکنان و مشخص نمودن حق و حقوق آنان را، راه حل مناسبی در جهت رفع بازدارنده های مشارکت مردمی در حفظ و احیاء منابع طبیعی دانسته اند.

مهرعلی تبار (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان تحلیل جایگاه مشارکت روستائیان در حفظ منابع طبیعی جنگلی نتیجه می گیرد که با توجه به تمایل گسترده روستائیان در حفاظت از منابع جنگلی بایستی بازدارنده های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و بازدارنده های مربوط به سیاست های دولت که بازدارنده از مشارکت روستائیان می گردند از میان برداشته شود. وی انگیزه مشارکت روستائیان را بیش از هر چیزی به اقدامات فرهنگی و به ویژه توانمندسازی آنان در عرصه های مختلف زندگی وابسته می داند.

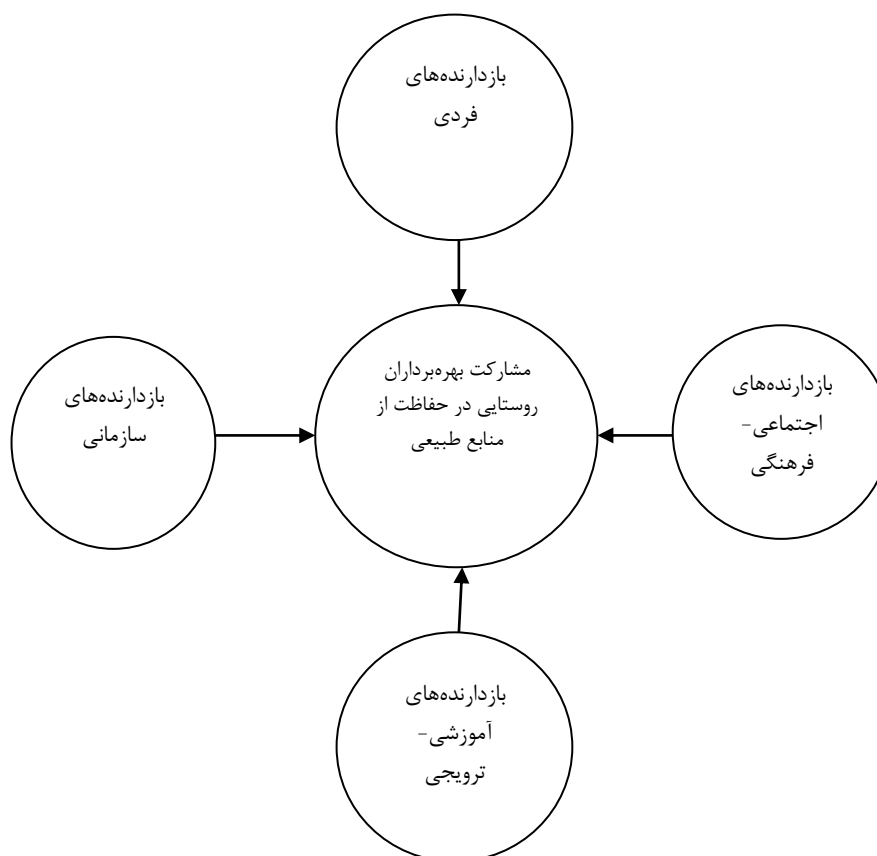
سینقا (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان تجزیه و تحلیل مدیریتی مشارکتی منابع جنگلی در ایالت آسام، بهترین روش برای مدیریت مطلوب منابع جنگلی را آموزش جنگل نشینان دانسته و در شیوه های مدیریت جنگل تدابیر متکی بر نگاه انسانی از راه توجه به نیازهای معیشتی جنگل نشینان را مهم می پندارد و پیشنهاد می کند که برای ایجاد مشارکت در برنامه های مدیریت جنگل و موفقیت آنها، سازمان های اجرایی و بخش های مختلف مرتبط با برنامه بایستی ویژگی های مهم فردی روستائیان را شناسایی و آن را در تدوین سیاست ها و انجام فعالیت های اجرایی مد نظر داشته باشند.

ماراجا و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان عوامل تعیین کننده مشارکت عمومی در پروژه های جنگلی حوزه رودخانه نیاندو کشور کنیا، به این نتیجه رسیدند که برای موفقیت در پروژه های حفاظتی باید منافع اقتصادی اجتماعی آن ها برای بهره بردارن و مشارکت کنندگان ملموس باشد.

حجازی و عربی (۲۰۰۹) عوامل مؤثر بر مشارکت سازمان های غیر دولتی (NGO) در حفاظت محیط زیست را مورد بررسی قرار داده و گستردگی و تنوع این گونه سازمان ها را نشان دهنده بلوغ سیاسی و اجتماعی هر جامعه ای دانسته اند و به این نتیجه رسیدند که بین عامل هایی مانند جنسیت، سن، اولویت در فعالیت های زیست محیطی و سطح تحصیلات با مشارکت رابطه معنی داری وجود دارد.

فاهام و همکاران (۲۰۰۸) عوامل مؤثر بر انگیزه مشارکت روستاییان را در فعالیت های جنگلداری اجتماعی بررسی کردند. یافته‌های این مطالعه نشان داد که سطح تحصیلات، ارتباطات رسانه ای، تعامل اجتماعی و نگرش مثبت به فعالیت‌های مشارکتی و گسترش دوره‌های آموزشی روستاییان می تواند باعث ایجاد انگیزه در مشارکت روستاییان در فعالیت‌های جنگلداری شود. در مجموع، بررسی های صورت گرفته در بالا نمایانگر این است که با توجه به تخریب فزاینده منابع طبیعی شهرستان ایلام، حفاظت از این منابع خدادادی به تنهایی از عهده یک نهاد دولتی یا غیر دولتی بر نمی آید و بایستی جهت حفظ این منابع، بهره‌برداران و روستاییان ساکن در جنگل را که مستقیماً با این منابع در ارتباط هستند،

عملاً وارد عرصه نموده و در حفاظت جنگل ها و مراتع مشارکت داد. این در حالی است که مشارکت مردم در این زمینه بدون بازدارنده نمی باشد. بر پایه مطالعات داخلی و خارجی، این بازدارنده ها را می توان در قالب های فردی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، آموزشی ترویجی و سازمانی (مدیریتی) طبقه بندی نمود. از این رو، این پژوهش با هدف تحلیل بازدارنده‌های (فردی، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، سازمانی و آموزشی- ترویجی) بازدارنده مشارکت بهره‌برداران روستایی شهرستان ایلام در حفاظت از منابع طبیعی اجرا شد. بر پایه مطالعات، مدل مفهومی یا چارچوب نظری این تحقیق به صورت نگاره ۱ ترسیم شد:



نگاره ۱- مدل مفهومی تحقیق



روش شناسی

این پژوهش از نظر ماهیت کمی، از لحاظ هدف از نوع کاربردی، از نظر روش و نحوه گردآوری داده‌ها، میدانی و در گروه تحقیقات توصیفی (غیرآزمایشی) می باشد. بهره‌برداران روستایی در این پژوهش افرادی بودند که از منابع طبیعی تجدید شونده شهرستان ایلام (جنگل و مرتع) استفاده کرده اند. جامعه آماری شامل ۱۷۸۲ تن بود که با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه ای، ۳۱۶ نفر از آنان برای انجام پژوهش گزینش شدند. متغیرهای مستقل تحقیق عبارت اند از: بازدارنده‌های فردی، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، سازمانی و آموزشی- ترویجی. متغیر وابسته این پژوهش مشارکت بهره‌برداران روستایی می باشد که در قالب یک متغیر اسمی دو وجهی (مشارکت و عدم مشارکت) وارد تحلیل ها شد. محاسبه آماری با استفاده از نرم افزار آماری SPSS^{۱۹} انجام شده است. به منظور دسته بندی گروه های آزمودنی از نظر صفات مختلف و توصیف ویژگی های جامعه آماری از آمار توصیفی استفاده شد. در این تحقیق به منظور تعیین رابطه بین متغیرهای تحقیق از ضریب همبستگی اتا و برای مقایسه اختلاف بین میانگین متغیرها از آزمون من ویتنی و کروسکال والیس و نیز به منظور بررسی سهم یک یا چند متغیر مستقل در پیش بینی متغیر وابسته از رگرسیون لجستیک بهره گرفته شد.

یافته‌ها

میانگین سنی بهره‌برداران مورد مطالعه ۴۱/۱۳ سال می باشد. بیشتر بهره‌برداران (۲۴۴ نفر، ۷۷/۲ درصد) مرد بودند. سطح تحصیلات حدود نیمی از بهره‌برداران (۵۳/۵ درصد) دیپلم و بالاتر می باشد. میانگین اعضای خانواده در نمونه مورد مطالعه ۵ نفر است. بیشتر بهره‌برداران (۲۲۲ نفر، ۷۰/۳) ساکن روستا بودند. شغل اصلی ۳۲/۹ درصد (۱۰۴ نفر) از آنان زراعت می‌باشد. میانگین سابقه اشتغال بهره‌برداران ۱۷ سال و ۱۲۶ نفر (۳۹/۸۷ درصد) از آنان با بیشترین فراوانی و درصد، بین ۱ تا ۱۰ سال سابقه اشتغال داشتند. اکثریت پاسخگویان (۶۰ درصد، ۱۸۹ نفر) درآمد ماهیانه خود را از دامداری بین ۱ تا هشت میلیون ریال مشخص نمودند. بهره‌برداران از نظر مقدار مساحت زمین زراعی تحت مالکیت، ۲۸۱ نفر (۸۸/۹۱ درصد) زیر ۵ هکتار زمین داشتند. بر پایه اظهارات بهره‌برداران، اکثریت آنان (۲۱۳ نفر، ۶۷/۶ درصد) از گاز به عنوان سوخت مصرفی غالب خود استفاده می کنند. حدود نیمی از پاسخگویان (۱۵۶ نفر، ۴۹/۴ درصد) در دوره‌های آموزشی ترویجی پیرامون اهمیت و ضرورت مشارکت در حفاظت از منابع طبیعی شرکت داشته اند. از آنجا که در این تحقیق، یکی از متغیرها در سطح سنجش اسمی و دیگری در سطح سنجش فاصله ای اندازه‌گیری شده اند، لذا از شاخص پیوند ترکیبی اسمی و فاصله ای اتا (*Eta*) استفاده شده است (حبیب پور و صفری شالی، ۱۳۹۰). جدول ۱ نشان می دهد که بین متغیرهای سن، سابقه اشتغال، مقدار زمین تحت مالکیت، مساحت اراضی دیم و آبی، درآمد بهره‌برداران از دامداری، بازدارنده‌های اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی- معیشتی، سازمانی و کاستی های آموزشی- ترویجی با مشارکت بهره‌برداران در حفاظت از منابع طبیعی رابطه معنی دار در سطوح $p=0.05$ و $p=0.01$ وجود دارد. بر پایه مقدار ضریب همبستگی و تفسیر آنها (حبیب پور گتایی و صفری شالی، ۱۳۹۰)؛ به جز متغیر سابقه اشتغال بهره‌برداران که مقدار همبستگی آن (۰/۴۳۲) از نظر آماری بالاتر از سطح یک درصد معنی‌داری بوده و پیش بینی های ساده گروهی از آن امکان پذیر است، مقدار همبستگی سایر متغیرهای مورد اشاره در بالا در دامنه (۰/۲۰ تا ۰/۳۵) قرار داشته و بیانگر رابطه نسبتاً ضعیف با مقوله مشارکت می باشد.



جدول ۱- همبستگی متغیرهای تحقیق با مشارکت

| متغیر | r | p |
|--------------------------------|---------|-------|
| سن بهره‌برداران | ۰/۳۹۴* | ۰/۰۱۲ |
| تعداد اعضای خانواده | ۰/۱۴۷ | ۰/۰۷۶ |
| سابقه‌ی اشتغال | ۰/۴۳۳** | ۰/۰۰۱ |
| مقدار زمین تحت مالکیت | ۰/۳۲۴** | ۰/۰۰۲ |
| مساحت اراضی دیم | ۰/۳۲** | ۰/۰۰۷ |
| مساحت اراضی آبی | ۰/۲۱۵* | ۰/۰۴ |
| درآمد بهره‌برداران از دامداری | ۰/۵۲۳ | ۰/۲۱۸ |
| بازدارنده‌های اجتماعی- فرهنگی | ۰/۳۲۲* | ۰/۰۳۹ |
| بازدارنده‌های اقتصادی و معیشتی | ۰/۲۸* | ۰/۰۴۲ |
| کاستی‌های آموزشی- ترویجی | ۰/۳۰۵* | ۰/۰۵ |
| بازدارنده‌های سازمانی | ۰/۲۵۳** | ۰/۰۰۲ |

** : معنی داری در سطح یک درصد * : معنی داری در سطح پنج درصد

جدول ۲ نشان می‌دهد که تفاوت معنی داری از لحاظ مشارکت بین گروه‌های مختلف بهره‌بردار از بُعدهای مالکیت مرتعی، سطوح تحصیلات، نوع سوخت مصرفی و نوع شغل اصلی وجود ندارد.

جدول ۲- تأثیر مالکیت بر مرتع، سطح تحصیلات، شغل اصلی و نوع سوخت مصرفی بر مشارکت بهره‌برداران

| متغیر | سطوح | شمار | میانگین | χ^2/u | p | |
|------------------|-----------------|--------|---------|------------|-------|------|
| مالکیت بر مرتع | مالک | ۲۳۳ | ۱۵۳/۹۹ | ۲/۱۵۴ | ۰/۱۶۸ | |
| | غیر مالک | ۸۱ | ۱۶۷/۶۰ | | | |
| | بیسواد | ۴۹ | ۱۶۹/۷۹ | ۴/۴۱۶ | | |
| | ابتدایی | ۵۶ | ۱۶۴/۵۶ | | | |
| | راهنمایی | ۴۲ | ۱۴۶/۷۵ | | | |
| | دیپلم | ۵۳ | ۱۴۶/۶۸ | | | |
| سطح تحصیلات | فوق دیپلم | ۳۲ | ۱۴۹/۰۹ | ۴/۴۱۶ | ۰/۴۹ | |
| | لیسانس و بالاتر | ۸۴ | ۱۶۲/۹۷ | | | |
| | زارع | ۱۰۴ | ۱۳۸/۰۳ | | | ۴/۷۱ |
| | باغدار | ۲۵ | ۱۲۳/۲۳ | | | |
| دامدار و مرتعدار | ۶۱ | ۱۵۴/۴۸ | | | | |
| نوع شغل اصلی | کارمند | ۸۸ | ۱۳۵/۴۸ | ۴/۷۱ | ۰/۱۹۴ | |
| | زغال | ۱۳ | ۱۷۴ | | | |
| | گاز | ۲۱۳ | ۱۴۸/۸۴ | | | |
| نوع سوخت مصرفی | گاز | ۲۱۳ | ۱۴۸/۸۴ | ۱/۴۶۶ | ۰/۴۸ | |
| | نفت | ۷۳ | ۱۴۹/۱۱ | | | |



از آنجا که در این پژوهش متغیر وابسته به صورت اسمی دو وجهی (مشارکت و عدم مشارکت بهره‌برداران در حفاظت از منابع طبیعی) است و متغیرهای مستقل در هر دو مقیاس کیفی و کمی (فاصله ای، نسبی و اسمی) سنجیده شده؛ لذا در این بخش به منظور بررسی بازدارنده‌ی مشارکت بهره‌برداران در حفاظت از منابع طبیعی از تحلیل رگرسیون لجستیک با روش پیشرو نسبت درست‌نمایی (Forward LR Likelihood Ratio= Forward) که نوعی روش گام به گام می باشد، استفاده شده است. بدین منظور کلیه‌ی متغیرهایی که همبستگی آنها با متغیر وابسته ثابت شده است را وارد معادله‌ی رگرسیون کرده، سپس تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفت. بنابراین در این تحقیق بر پایه مدل رگرسیونی، متغیرهای مستقل شامل: سن بهره‌برداران، سابقه‌ی اشتغال، مساحت اراضی تحت مالکیت، مساحت اراضی دیم، مساحت اراضی آبی، بازدارنده‌های اجتماعی- فرهنگی، بازدارنده‌های اقتصادی و معیشتی، کاستی‌های آموزشی- ترویجی و موانع سازمانی وارد مدل گردیدند.

جدول ۳ ارزیابی توان کلی مدل رگرسیونی لجستیک را در گروه‌بندی افراد نشان می‌دهد که در مجموع ۹۷/۹۳ درصد از افراد درست طبقه‌بندی شده‌اند. از مجموع ۱۲۱ نفر از افراد مشارکت کننده ۱۱۶ نفر به درستی طبقه بندی شده‌اند. در حالی که تمامی افراد غیر مشارکت کننده (۱۹۵ نفر) به درستی طبقه‌بندی شده‌اند.

جدول ۳- طبقه بندی افراد مشارکت کننده و غیرمشارکت کننده بر اساس نتایج حاصل از رگرسیون لجستیک

| سطح متغیر | مشارکت کننده | غیر مشارکت کننده | درصد پیش بینی صحیح |
|------------------|--------------|------------------|--------------------|
| مشارکت کننده | ۱۱۶ | ۵ | ۹۵/۸۶ |
| غیر مشارکت کننده | ۰ | ۱۹۵ | ۱۰۰ |
| در مجموع | | | ۹۷/۹۳ |

جدول ۴ نتایج آزمون اوم نی بوس (Omnibus test) در راستای ارزیابی کلی مدل رگرسیونی لجستیک و شاخص قدرت تبیین و کارایی مدل را نشان می‌دهد بر این پایه، در مرحله چهارم، برازش مدل قابل قبول و در سطح خطای کوچکتر از یک درصد معنی‌دار است.

جدول ۴- بررسی برازش مدل با استفاده از آزمون اوم نی بوس (Omnibus test)

| گام ها | Chi-Square | df | P |
|-----------|------------|----|-------|
| گام اول | ۱۵/۰۳۸ | ۲ | ۰/۰۰۰ |
| | ۱۵/۰۳۸ | ۲ | ۰/۰۰۰ |
| | ۵۸/۰۳۸ | ۲ | ۰/۰۰۰ |
| گام دوم | ۱۲/۱۳۷ | ۳ | ۰/۰۰۵ |
| | ۲۱/۷۵ | ۴ | ۰/۰۰۰ |
| | ۲۱/۷۵ | ۴ | ۰/۰۰۰ |
| گام سوم | ۱۲/۹۴۶ | ۴ | ۰/۰۰۴ |
| | ۳۲/۵۱۲ | ۶ | ۰/۰۰۰ |
| | ۳۲/۵۱۲ | ۶ | ۰/۰۰۰ |
| گام چهارم | ۹/۳۶۷ | ۱ | ۰/۰۰۰ |
| | ۴۸/۶۱۱ | ۸ | ۰/۰۰۰ |
| | ۴۸/۶۱۱ | ۸ | ۰/۰۰۰ |



بر پایه جدول ۵ مقدار کای اسکوئر ($-2 \log \text{Likelihood}$) از $۱۵۶/۷۳$ در گام اول به $۵۲/۴۸$ در گام چهارم رسیده است و این کاهش نشان دهنده‌ی بهبود مقدار کای اسکوئر است. از طرفی، مقادیر Cox \& Snell و Nagelkerke (نشان دهنده‌ی ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده) نشان می‌دهند که متغیرهای مستقل این تحقیق می‌توانند $۰/۷۳۲$ تا $۰/۸۷۱$ درصد از تغییرات متغیر وابسته را پیش بینی کنند.

جدول ۵- شاخص های برازش مدل به دست آمده از رگرسیون لجستیک

| مراحل | میزان بهبود در χ^2 | Cox & Snell R Square | Nagelkerke R Square |
|-----------|-------------------------|----------------------|---------------------|
| گام اول | $۱۵۶/۷۳^a$ | ۰/۱۵۹ | ۰/۲۷۲ |
| گام دوم | $۱۰۸/۰۲۶^a$ | ۰/۳۴۰ | ۰/۴۵۳ |
| گام سوم | $۸۹/۷۶۰^a$ | ۰/۵۸۹ | ۰/۶۹۲ |
| گام چهارم | $۵۲/۴۸^a$ | ۰/۷۳۲ | ۰/۸۷۱ |

بر پایه جدول ۶، متغیرهای سن، سابقه‌ی اشتغال، مساحت اراضی تحت مالکیت، مساحت اراضی دیم، مساحت اراضی آبی، بازدارنده‌های اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و معیشتی، سازمانی و کاستی‌های آموزشی- ترویجی، در چهار گام وارد معادله رگرسیون لجستیک به شیوه-ی پیش‌رو نسبت درست‌نمایی شده اند که گام چهارم آن گزارش شده و مقادیر P هم معنی‌داری این متغیرها را در این گام نشان می‌دهد.

جدول ۶- نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون لجستیک در رابطه با بررسی عوامل بازدارنده‌ی مشارکت بهره‌برداران

| متغیرهای مستقل | B | S.E | Wald | df | Sig | Exp (B) |
|--|-------|-------|-------|----|-------|---------|
| گام چهارم | | | | | | |
| سن بهره‌برداران (X_1) | ۲/۳ | ۲/۵۲ | ۶/۴۱ | ۱ | ۰/۰۳ | ۱/۰۵ |
| بازدارنده‌های اجتماعی- فرهنگی (X_2) | ۴/۷۱ | ۱/۱۱۷ | ۸/۳۴ | ۱ | ۰/۰۰۴ | ۱/۲۲ |
| بازدارنده‌های اقتصادی و معیشتی (X_3) | ۳/۵۷ | ۱/۰۴ | ۹/۲۸ | ۱ | ۰/۰۰۳ | ۱/۱۱ |
| کاستی‌های آموزشی- ترویجی (۴) (X_4) | ۳/۰۱ | ۰/۹۰ | ۷/۷۳ | ۱ | ۰/۰۱ | ۱/۰۷ |
| بازدارنده‌های سازمانی (X_5) | ۴/۶۷ | ۱/۱۲ | ۱۱/۰۸ | ۱ | ۰/۰۰۰ | ۰/۷۱۱ |
| مقدار ثابت | ۱۰/۸۵ | ۱۱/۷۸ | ۱۶/۱۱ | ۱ | ۰/۰۰۰ | ۵/۸۹ |

پس از اطمینان از معنی‌داری اثرات متغیرها و مشخصه‌های کلی مدل که بیانگر مناسب بودن مدل کلی تحلیل است، برای دستیابی به معادله‌ی تحلیل بازدارنده‌های مشارکت بهره‌برداران در حفاظت از منابع طبیعی، بر پایه جدول ۶، اثرهای کلیه بازدارنده‌های اجتماعی- فرهنگی ($B=۴/۷۱$)، اقتصادی و معیشتی ($B=۳/۵۷$)، سازمانی ($B=۴/۶۷$)، کاستی‌های آموزشی- ترویجی ($B=۳/۰۱$) و سن بهره‌برداران ($B=۲/۳$) در سطح یک درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان معنی‌دار است. بر پایه نسبت بخت $\text{Exp}(B)$ می‌توان اظهار داشت که اولین بازدارنده‌ای که تاثیر معنی‌داری بر احتمال عدم مشارکت بهره‌برداران دارد، بازدارنده اجتماعی- فرهنگی است و پس از آن به ترتیب، بازدارنده‌های اقتصادی، کاستی‌های آموزشی- ترویجی سن و در نهایت بازدارنده سازمانی بر مقوله مشارکت تاثیرگذارند. به عبارت دیگر، بر پایه جدول ۶، در مورد بازدارنده اجتماعی- فرهنگی می‌توان گفت که با به هر میزان این بازدارنده افزایش یابد، احتمال



عدم مشارکت بهره‌برداران به اندازه ۱/۲۲ افزایش می‌باید. این مقدار برای بازدارنده اقتصادی- معیشتی، کاستی‌های آموزشی- ترویجی، سن و بازدارنده سازمانی به ترتیب ۱/۱۱، ۱/۰۷، ۱/۰۵ و ۰/۷۱۱ می‌باشد. حال با توجه به مقادیر B و مقدار ثابت می‌توان معادله بهینه رگرسیون لوجستیک را به شرح ذیل نوشت:

$$Y' = 2/3 + 10/58 X_1 + 4/71 X_2 + 3/57 X_3 + 3/01 X_4 + 4/67 X_5$$

با استفاده از فرمول یاده شده در بالا می‌توان بازدارنده‌های مشارکت را برآورد کرد و در ترغیب بهره‌برداران به مشارکت بیشتر به آن‌ها توجه جدی کرد.

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش که با هدف تحلیل بازدارنده‌های مشارکت بهره‌برداران روستایی در حفاظت از منابع طبیعی شهرستان ایلام صورت گرفته نشان داد که با وجود رابطه معنی‌داری متغیرهای سن، مقدار زمین تحت مالکیت، مساحت اراضی دیم و آبی، درآمد بهره‌برداران از دامداری، بازدارنده‌های اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی- معیشتی، سازمانی و کاستی‌های آموزشی- ترویجی بر مشارکت بهره‌برداران در حفاظت، این رابطه نسبتاً ضعیف است این در حالی است که رابطه متغیر سابقه اشتغال بهره‌برداران با مقوله مشارکت از استحام بیشتری برخوردار می‌باشد. بر این پایه، می‌توان اظهار داشت که سابقه بهره‌برداران تأثیر نسبتاً زیادی بر مشارکت آن‌ها در حفاظت از منابع طبیعی می‌گذارد. دلیل این امر را می‌توان به این شکل تفسیر کرد که افراد با سابقه، از دانش بومی بیشتری در زمینه حفاظت بر خوردار بوده و همین امر بر نگرش آنها در این مورد تأثیرگذار است. همچنین، بر پایه مقایسه گروه‌های آزمودنی، تفاوت معنی‌داری از بعد مشارکت بین گروه‌های مختلف بهره‌بردار از بعدهای مالکیت مرتعی، سطوح تحصیلات، نوع سوخت مصرفی و نوع شغل اصلی وجود ندارد. به عبارت دیگر، این متغیرها نمی‌تواند تفاوت در میزان مشارکت بهره‌برداران ایجاد نمایند. بر پایه نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک، متغیرهای مستقل این تحقیق توانستند ۰/۷۳۲ تا ۰/۸۷۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته (مشارکت) را پیش‌بینی کنند که این امر بیانگر این نکته است که بسیاری از متغیرهای تأثیرگذار بر مقوله مشارکت مورد بررسی واقع شده‌اند. در این بین، بازدارنده‌های اجتماعی- فرهنگی اولین متغیری است که بیشترین تأثیر را بر مشارکت داشته است که با یافته‌های محمدی (۱۳۸۳)، حسینی و ابوبی (۱۳۷۸)، شاعری (۱۳۷۸) و ماراجا و همکاران (۲۰۱۰) همخوانی دارد. چنین نتیجه‌ای را این گونه می‌توان تفسیر کرد که یکی از عامل‌های اصلی مشارکت اندک بهره‌برداران در حفاظت از منابع طبیعی را باید در مسائل فرهنگی و اجتماعی مردم جستجو کرد. این در حالی است که به این مقوله کمتر از سایر مقوله‌ها توجه می‌شود و همین طور که در این تحقیق مشخص شده است، اهمیت آن از مقوله اقتصادی بیشتر است. بازدارنده‌های اقتصادی- معیشتی نیز دومین متغیر تأثیرگذار بر عدم مشارکت بهره‌برداران روستایی در حفاظت از منابع طبیعی می‌باشند که با نتایج تحقیق محمدی (۱۳۸۳)، حسینی و ابوبی (۱۳۷۸) و شاعری (۱۳۷۸) و مهرعلی تبار (۱۳۹۱) همسو می‌باشد. در پژوهش حاضر، کاستی‌های آموزشی- ترویجی از دیگر بازدارنده‌های مشارکت بهره‌برداران بوده که با نتایج تحقیق شریعتی و همکاران (۱۳۸۴) و فاهام و همکاران (۲۰۰۸) همخوانی دارد بازدارنده‌های سازمانی آخرین متغیر تأثیرگذار بر عدم مشارکت بهره‌برداران روستایی در حفاظت از منابع طبیعی می‌باشند که با نتایج یافته‌های تحقیق سینقا (۲۰۱۰)، مهر علی تبار (۱۳۹۱) و شاعری (۱۳۷۸) همخوانی دارد.

بنابراین، بر پایه یافته‌های پژوهش در این زمینه پیشنهاد می‌شود:

با توجه به اینکه بازدارنده‌های اجتماعی- فرهنگی نقش بسزایی در عدم مشارکت بهره‌برداران در حفاظت از منابع طبیعی داشته‌اند، لذا می‌بایست در جهت رفع موانع اجتماعی و فرهنگی در قالب برگزاری کلاس‌های آموزشی- ترویجی، سازماندهی رهبران و معتمدان محلی و تعاونی‌های بهره‌بردار در جهت حفظ، اصلاح و احیاء و توسعه و بهره‌برداری اصولی از منابع طبیعی اقدام نمود. بازدارنده‌های اقتصادی- معیشتی از دیگر عوامل تأثیرگذار در فرایند عدم مشارکت بودند، بر این پایه می‌بایست که با حمایت دولت در قالب اعطای کمک‌های مالی و تسهیلات به بهره‌برداران روستایی در جهت رفع فقر و کاهش تخریب در عرصه‌های منابع طبیعی، اقدام نماید. همچنین سازمان‌های دولتی از جمله سازمان‌های مرتبط همچون جهاد کشاورزی و ادارات کل منابع طبیعی و آبخیزداری در تأمین نیازها و امکانات رفاهی و همچنین نهاده- ها و تسهیلات لازم برای بهره‌برداران روستایی وارد عمل شوند. در راستای رفع کاستی‌های آموزشی ترویجی، پیشنهاد



می‌شود که از راه تهیه برنامه های رادیویی و تلویزیونی در زمینه مشارکت، مزایا و اهداف آن توسط کارشناسان و مروجان خبره اقدام شود. همچنین، با استفاده از آموزشگران بومی و انطباق مطالب آموزشی با نیازهای آموزشی بهره‌برداران و ارتقای سطح آگاهی آنان نسبت به منابع طبیعی زمینه مشارکت آنها را در طرح‌های مرتعداری و جنگلداری فراهم ساخت. به منظور تسهیل امر مشارکت بهره‌برداران در حفاظت از منابع طبیعی، وضع مقررات و قوانین مناسب تسهیل‌کننده امر مشارکت باید در دستور کار مراجع ذیصلاح و قانونگذار قرار گیرد. برنامه ریزی و مدیریت مشارکتی منابع طبیعی باید جای به خود را به شیوه های برنامه ریزی متمرکز بدهد. این امر با تشکیل و یا تقویت انجمن ها، نهادها و تشکل های صنفی متشکل از خود بهره‌برداران امری عملی و شدنی است. بدیهی است که در این راستا مجاری قانونی کشور نیز باید راه برای این مهم هموار سازد. مسیری که به نظر می رسد با وجود بحث پیرامون آن در محافل علمی و آکادمیک همچنان ناهموار است.

منابع

- ابراهیم پور، م. (۱۳۷۸). عوامل انسانی مؤثر بر تخریب جنگل ها و مراتع با تأکید بر منطقه زاگرس، مجله علمی جهاد، سال نوزدهم، شماره ۲۳۳-۲۳۲: ۳۲.
- حبیب پور، ک.، و صفری شالی، ر. (۱۳۹۰). راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده های کمی)، انتشارات متفکران.
- حسینی، ف و ابوتیبه، ف. (۱۳۷۸). روش های جلب مشارکت مردمی در منابع طبیعی، جهت حفظ و احیای منابع طبیعی در هر کشور، مجموعه مقالات اولین همایش منابع طبیعی مشارکت و توسعه، دفتر ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی، ۶۷۷-۶۷۸.
- گزارش اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری ایلام. (۱۳۹۱)، گزارش واحد جنگل، مراتع و آبخیزداری، ایلام.
- شاعری، ع. (۱۳۷۸). عوامل مؤثر در جلب مشارکت دامداران در ساماندهی دام از جنگل های شمال ایران، اولین همایش منابع طبیعی، مشارکت و توسعه، ۱۶۲.
- شاعری، ع و سعدی، ح. (۱۳۸۲). راهنمای عملی مشارکت و ترویج منابع طبیعی، چاپ اول، تهران، انتشارات پونه، ۳۹-۴۰.
- شریعتی، م. زیادبخش، س و ورامینی، ن. (۱۳۸۴). عوامل مؤثر بر مشارکت روستائیان جنگل نشین در حفاظت از جنگل های شمال و غرب کشور، فصلنامه جنگل و مرتع، شماره ۶۷، تهران.
- قناعت، ن. (۱۳۸۵). راهکارهای توانمندسازی جوانان روستایی جهت حفظ و احیاء منابع طبیعی شهرستان گرمسار، مجله جهاد، شماره. ۲۷۴، ۱۵۸-۱۵۹.
- کریمی، غ. (۱۳۸۲). عوامل مؤثر در تخریب جنگل ها و مراتع، فصلنامه پیام روستا، شماره ۶، ۱۲.
- محمدی، غ. (۱۳۸۳). عوامل مؤثر بر مشارکت روستاییان در طرح های آبخیزداری، ماهنامه علمی، اجتماعی، اقتصادی جهاد (ترویج کشاورزی و توسعه روستایی)، شماره ۲۶۲، ۱۷-۱۳.
- مهرعلی تبار، م. (۱۳۹۱). تحلیل جایگاه مشارکت روستاییان در حفظ منابع طبیعی جنگلی، دومین همایش ملی توسعه پایدار روستایی، همدان.
- Faham,E., Rezvanfar,A., Shamekhi,T. (۲۰۰۸). Analysis of factors influencing motivation of villagers' participation in activities of social forestry (The case sstudy of West Mazandaran). American Journal of Agricultural and Biological Sciences, ۳ (۲): ۴۵۱-۴۵۶.
- FAO. (۲۰۰۷). NGO participation (on line). Retrieved at [http:// www.codexalimentarius.net/web/Ngoparticipation.jsp](http://www.codexalimentarius.net/web/Ngoparticipation.jsp).
- Hedjazi, Y., and Arabi, F. Factors influencing nongovernment organizations' participation in environmental conservation. International Journal of Environmental Research. ۳(۱): ۱۲۹-۱۳۶
- Maraga JN, Kibwage JK, Oindo BO. (۲۰۱۰). Factors determining community participation in afforestation projects in River Nyando basin, Kenya. African Journal of Environmental Science and Technology, ۴(۱۲): ۸۵۳-۸۵۹.
- Singha AK. (۲۰۱۰). Analysis of participatory management of forest resources in Assam. Indian Res. J. Ext. Edu. ۱۰ (۲).